

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مائوئیسم در ایران

سازمان انقلابی حزب توده ایران
سازمان رهائی بخش خلق های ایران
حزب رنجبران

محمود نادری



مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی

زمستان ۱۳۹۷

نادری، محمود، ۱۳۳۸-

مائوئیسم در ایران: سازمان انقلابی حزب توده ایران، سازمان رهایی بخش خلق‌های ایران، حزب رنجبران / محمود نادری.

تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۷.
ص ۵۴۴

شابک: 978-600-5786-45-3: ریال ۵۰۰۰۰۰

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

حزب توده ایران Hezb Tudeh Iran -- ارتش رهایی بخش خلق‌های ایران -- مائوئیسم Maoism -- کمونیسم

-- ایران -- تاریخ Communism -- Iran -- History

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

۳۳۵/۴۳۴۵

۱۳۹۷ م ۲/۵/۴۱۸/۵ HX

۵۶۰۶۱۹۷

کتابخانه ملی ایران



مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

آدرس تهران، خیابان شریعتی، خیابان شهید دستگردی، نیش شهید گوی آبادی، پ ۷۵

تلفن: ۲۶۷۰۵۰۷۵ و ۲۶۷۰۵۰۸۵

مائوئیسم در ایران

سازمان انقلابی حزب توده ایران
سازمان رهائی بخش خلق‌های ایران
حزب رنجبران

محمود نادری

زمستان ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۸۶-۴۵-۳

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق ناشر و مؤلف محفوظ است

info@ir-psri.com

www.psri.ir

فهرست مطالب

| | |
|----|---|
| و | پیشگفتار |
| ۱ | سازمان انقلابی حزب توده |
| ۱ | اولین تفنگداران |
| ۸ | آهنگ جدایی چینی |
| ۱۵ | مقدمات تأسیس سازمان انقلابی حزب توده |
| ۱۸ | سفر به چین |
| ۱۹ | اولین کنگره سازمان انقلابی |
| ۲۷ | در تدارک جنگ مسلحانه |
| ۳۷ | سازمان انقلابی و شورش فارس |
| ۴۵ | سه «مائوئیست» در حزب توده |
| ۵۰ | سازمان انقلابی و «رفقای سه‌گانه» |
| ۵۱ | کنفرانس دوم سازمان انقلابی |
| ۵۳ | جدایی «رفقای سه‌گانه» از سازمان انقلابی |
| ۵۷ | انتشار نشریه توده |
| ۵۷ | سفر به کوبا |
| ۶۱ | جلسه کادرها |
| ۶۵ | کنفرانس کادرها و رهبران |

- ۷۵ بار دیگر چین
- ۸۱ «مائو جوشی ون جوری!»
- ۸۶ سفر به کردستان
- ۹۶ انشعاب
- ۱۰۸ پرویز نیکخواه و همراهانش
- ۱۱۲ ترور نافر جام شاه
- ۱۱۸ سازمان‌های پراکنده
- ۱۳۰ ورود منشعین به ایران
- ۱۳۴ گروه پنج نفره
- ۱۵۳ سیاوش پارسائزاد
- ۱۶۵ کورش لاشایی
- ۱۷۷ سازمان انقلابی پس از دستگیری لاشایی
- ۲۰۱ اختلاف نظر میان بخش داخل و بخش خارج
- ۲۰۴ وادادن اعضا، و واماندن سازمان
- ۲۰۵ اقدس ملک‌زادگان
- ۲۰۷ عباس میلانی
- ۲۱۵ تازه‌واردان به سازمان
- سازمان رهائی بخش خلق‌های ایران**
- ۲۳۰ سیروس نهاوندی؛ یهودا، نه اسخریوطی
- ۲۶۲ بازنگری در استراتژی
- ۲۶۴ هفت تیرهای چوبی
- ۲۷۰ طرح ساواک برای تأسیس سازمان مبارزاتی دست‌ساز
- ۲۸۰ «ماهی سیاه‌های کوچولو» در تور ساواک
- ۲۹۵ بازهم خدمت به خلق
- ۳۲۱ شاخه شیراز
- ۳۲۸ شب یلدا؛ شام آخر

۳۵۰

سرانجام سیروس نهاوندی

۳۵۶

حزب رنجبران

۳۶۰

چهارمین کنفرانس

۳۶۳

تأسیس حزب رنجبران

۳۷۹

ورود به فاز نظامی

۳۸۵

چند دقیقه مبارزه مسلحانه

۳۸۹

پرچم سرخ در اردوی خوانین

۴۰۴

عقب‌نشینی به کردستان

۴۱۲

کمیته جاری

۴۳۰

انشعاب

۴۴۵

پایان اکثریت

۴۴۷

فهرست اعلام

۴۶۳

گزیده عکس و سند

پیشگفتار

«از امروز تأسیس دولت مرکزی جمهوری خلق چین در پکن به جهانیان اعلام می‌گردد...» با همین چند کلمه ساده، که مائو تسه دون، رهبر کمونیست های چین، در میان انبوه جمعیت پرشور و بی‌قرار حاضر در میدان صلح آسمانی (تیان آن من)، در روز اول اکتبر ۱۹۴۹، بیان کرد، پرجمعیت‌ترین کشور جهان رسماً تحت حاکمیت کمونیسم قرار گرفت؛ و یکی از نقاط عطف تاریخ جهان رقم زده شد.^۱

اتحاد شوروی، تا زمان فرار بقایای رژیم سابق به تایوان، به شناسایی همان رژیم به عنوان حکومت قانونی چین ادامه داد! اما هنگامی که مائو، موجودیت دولت کمونیستی را در چین اعلام کرد، استالین، «طبعاً» از آن به عنوان «یک پیروزی برای کمونیسم جهانی» استقبال کرد! اینک دو غول کمونیستی، خرس و اژدها، در کنار یکدیگر نشسته بودند و هم را می‌پاییدند؛ و جهان سرمایه‌داری به رهبری ایالات متحده آمریکا هر دو را.

در فوریه ۱۹۵۰، معاهده دوستی میان چین و شوروی اعلام شد و به موجب آن چین

۱. در تقویم جمهوری خلق چین، روز ۳۱ ژانویه ۱۹۴۹، آغاز حکومت توده‌ای چین محسوب می‌شود. در این روز شهر پکن پایتخت چین به دست نیروهای مسلح حزب کمونیست افتاد. قوای پراکنده رژیم چیانگ کای چک، هنوز در چند نقطه چین مقاومت می‌کردند. روز ۲۹ نوامبر شهر نانکن، آخرین سنگر نیروهای چیانگ کای چک، رئیس‌جمهور چین، به تصرف کمونیست‌ها درآمد و چیانگ کای چک و اعضای دولتش به تایوان گریختند.

کمک‌های نظامی و اقتصادی عمده‌ای دریافت می‌داشت. چین کمونیست تقریباً منزوی در جهان، یک دوست متحد نیرومند در جهان خارج داشت. در آن دوران، جنگ سرد میان شرق و غرب، در اوج بود و اتحاد و دوستی خرس و ازدها موجب اطمینان خاطر هر دو بود. اما این دوستی چندان پایدار نماند.

مائو، مارکسیسم را در جوانی خوانده و پذیرفته بود. اما او آن کسی نبود که آموزه‌های مارکسیسم لنینیسم را وحی مُنزل بیندارد و کورکورانه از آن تبعیت کند؛ که اگر چنین می‌پنداشت و می‌کرد، پیروزی «سوسیالیسم» در جامعه «نیمه‌فئودالی نیمه‌مستعمره»^۱ چین امکان‌پذیر نبود. لنین، اصول مارکسیسم را چنان پرداخت که بشود با آن در جامعه‌ای غیرصنعتی چون روسیه اوایل قرن بیستم انقلاب سوسیالیستی به راه انداخت؛ و از همین جا لنینیسم دنباله مارکسیسم شد. مائو نیز اصول مارکسیسم لنینیسم را با چیزی که خود آن را «پراتیک انقلاب چین» می‌خواند درآمیخت و از آن مائوئیسم زاده شد. حالا ایدئولوژی مارکسیسم، دنباله‌ای دیگر یافته بود: اندیشه مائو تسه دون.

اولین تعلیم مائو به پیروانش این بود که «نباید گذشته تاریخی خود را انکار کنیم ... مارکسیسم باید با شرایط ملموس چین تطبیق یابد تا در تمامی جلوه‌هایش ویژگی‌های چین را بازتاباند. باید بر قالبهای آن سوی دریاها نقطه پایانی نهاد.»^۲ مائو، بی آن که به قالب‌ها و فرمول‌های از پیش ساخته مارکسیستی متکی باشد، به سنت‌های چینی متکی بود. در چین، «کارگر» نبود اما «دهقان» فراوان بود. مائو با یارگیری از میان «دهقانان»، نیروی مسلحی از سربازان بانگیزه برای کمونیست‌های چین فراهم آورد. این همان «ارتش آزادی‌بخش خلق» بود که با استراتژی «محاصره شهرها از طریق روستاها» سنگر به سنگر و روستا به روستا و شهر به شهر در برابر ارتش دولتی چین ایستادگی کرد و با «راه‌پیمایی بزرگ» حماسه آفرید و سرانجام پیروزی نهایی را از آن کمونیست‌ها کرد.

پیدا بود که رهبری با این اعتماد به نفس و استقلال فکر، که خود را با لنین هم طراز می‌دید و بر یک سوم جمعیت جهان حکم می‌راند و حزبی متشکل و منسجم، و ارتشی متحد و آبدیده در کوران دو دهه مبارزه مسلحانه داخلی را در پشت سر داشت و در رسیدن به قدرت نیز وام‌دار «برادر بزرگتر» نبود، پیروی و اطاعت از هیچ قدرتی را برنمی‌تابید.

۱. تعریف و توصیف ویژه مائو از جامعه چین

۲. ر.ک: ولفگانگ لئونارد، ص ۲۱۳.

اژدها مترصد فرصت بود تا در برابر خرس عرض اندام کند. مرگ استالین و تحولات بعدی شوروی فرصتی را که مائو می‌خواست پدید آورد. در فوریه ۱۹۵۶، خروشچف، دبیرکل حزب کمونیست و رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی، در بیستمین کنگره حزب کمونیست شوروی، پرده‌ها را کمی بالا زد و گوشه‌ای از جنایات استالین را افشا کرد. خروشچف بر سیاست «همزیستی مسالمت‌آمیز» با غرب نیز تأکید کرد و خواست از گرمی «جنگ سرد» بکاهد و همه اینها بهانه‌ای بود برای مائو تا اعلام کند که رهبران تازه کرملین «تجدیدنظرطلب» شده‌اند. روابط اژدها و خرس به سرعت رو به سردی گذاشت تا در اوایل دهه شصت قرن میلادی گذشته، به کلی از هم گسیخت و جنگی سرد، این بار بین دو قدرت کمونیست، در گرفت. از نظر «صدر مائو»، آمریکا «امپریالیست» بود و البته «ببر کاغذی» ای هم بیش نبود. اما شوروی، «سوسیال امپریالیست»، و خطرش برای «جهان سوم» به مراتب بیش از آمریکا بود. یکی از هنرهای «صدر مائو»، همین آفریدن «گفتمان‌های نو» به نو بود. با آغاز دهه شصت، جمهوری خلق چین، محروم از کمک‌های فنی و اقتصادی شوروی و منزوی در بیرون مرزهای خود و بدون داشتن حتی کرسی نمایندگی در سازمان ملل، با اتکاء صرف به توانایی‌های خود، توانست راه خود را به سوی آینده بگشاید. در ۱۹۶۴، این کشور «جهان سومی» در افتاده با هر دو ابرقدرت جهان آن روز و محروم از هر کمک فنی و اقتصادی خارجی، نخستین بمب اتمی خود را هم منفجر کرد و به باشگاه کشورهای هسته‌ای پیوست. «چین کمونیست» حضور پایدار و قدرتمند خود را در پیش چشم همه جهانیان به نمایش گذاشته بود. اینک، چین، با «مارکسیسم، لنینیسم، اندیشه مائو تسه دون» با گفتمان‌های جذاب مائو و با موفقیت در اداره کشوری که بیش از یک سوم جمعیت جهان را داشت و با کامیابی در پیمودن راهی مستقل، نگاه روشنفکران چپ و راست، و حتی نظریه‌پردازان مارکسیست اروپایی را متوجه خود کرده بود.

اولین تأثیر آشکار و بارز کمونیسم چینی در میان ایرانیان، در خارج از کشور، و در میان دانشجویان ایرانی ناراضی از عملکرد حزب توده بود. آن روزها چپ‌گرایی، گفتمان مسلط محیط‌ها و محافل روشنفکری ایران بود. حزب توده، به مثابه نماینده ایدئولوژی و گفتمان چپ، چه در داخل و چه در خارج، هم محل توجه و علاقه جوانان چپ‌گرای ایران بود؛ و هم مورد انتقاد و احیاناً نفرت آنان. سابقه طرفداری و همکاری روشنفکران و نویسندگان و شاعران و مترجمان صاحب‌نام با حزب توده در دهه بیست، و اعدام و زندان و تبعید

عده‌ای از اعضای حزب پس از کودتای ۲۸ مرداد، و وجود چهره‌هایی چون خسرو روزبه و مرتضی کیوان در میان اعدامیان، جاذبه‌های حزب توده بود؛ و کارشکنی‌های حزب توده در نهضت ملی نفت، رفتار خفت‌بار عده‌ای از اعضای بلندپایه حزب پس از دستگیری، و انبوه توبه‌نامه‌ها، و از همه بالاتر فرار رهبران به دامن ارباب به جای ماندن و مبارزه کردن، و اماندگی و بی‌عملی حزب، و حلقه به گوشه و اطاعت محض رهبران قدیمی حزب از شوروی نیز دافع‌های حزب توده بود.

بخشی از دانشجویان ایرانی هم که در اروپا تحصیل می‌کردند همسو با این موج جهانی به مائوئیسم گرویدند. این دسته از دانشجویان که اکثراً در «کنفدراسیون محصلین و دانشجویان» فعال بودند، «سازمان انقلابی حزب توده ایران» را بنیان نهادند.

سازمان انقلابی مبتنی بر نظریه مائو به «مبارزه مسلحانه توده‌ای» می‌اندیشید و به عملیات تروریستی عقیده نداشت؛ ولی ترور ناموفق شاه در ۲۱ فروردین سال ۱۳۴۴، نام پرویز نیکخواه، یکی از مائوئیست‌های اروپا برگشته، را که هیچ ارتباطی با ترور نداشت، به میان کشید و همین به سود سازمان انقلابی تمام شد. کمی بعد حوادثی در استان فارس رخ داد، که به شورش بهمن قشقایی معروف شد، و ظاهراً ثابت می‌کرد تغییر جهت از مسکو به سمت پکن به رخوت و خوابزدگی کمونیست‌های ایرانی پایان داده است.

این دو حادثه، که با تبلیغات پرسروصدا همراه شد، کافی بود که سازمان انقلابی در کنفدراسیون محصلین و دانشجویان نسبت به دیگر جریان‌های سیاسی دست بالاتر را داشته باشد. در نتیجه عده‌ای از دانشجویان ایرانی در اروپا و آمریکا که به سرنگونی رژیم پهلوی می‌اندیشیدند همراه با اوج گرفتن تب مبارزه در داخل کشور به سازمان انقلابی پیوستند.

رهبران سازمان انقلابی حکم خود را درباره ساختار اقتصادی-اجتماعی ایران و در نتیجه شیوه مبارزه صادر کرده بودند ولی خود به خوبی می‌دانستند که هیچ اطلاعی از جامعه ایران ندارند. لذا مطالعه پیرامون جامعه ایران و تحولات ناشی از اصلاحات ارضی در دستور کار سازمان انقلابی قرار گرفت. بخشی از این مطالعات در خارج از کشور انجام می‌گرفت و در کنار آن تعدادی از اعضا به داخل کشور بازگشتند تا ضمن مطالعه عمیق‌تر و دقیق‌تر از تحولات ساختاری جامعه به اشاعه و تبلیغ مائوئیسم پردازند و سازمانی نیز در داخل کشور ایجاد کنند تا بستر مناسب برای انقلاب دهقانی هموار گردد.

بازگشت چند تن از افراد مؤثر و مؤسس سازمان انقلابی به کشور و متعاقباً بازداشت

و اظهار ندامت آنان در رسانه‌ها، ضربتی ویرانگر به آن سازمان زد. این روزها از یک سو مقارن بود با اوج‌گیری مبارزه مسلحانه از نوع «کانون شورشی» و یا «جنگ شهری» در ایران و از دیگر سو مصادف بود با عقب‌نشینی چین از شعارهای اولیه خود در سطح جهانی. این عوامل موجب گردید که سازمان انقلابی در داخل و خارج از کشور به محاق رانده شود. اختلاف بین سازمان داخل کشور و خارج از کشور سازمان انقلابی در تحلیل و تبیین جامعه ایران موجب سردرگمی آن سازمان شده بود. بخش خارج از کشور همچنان معتقد بود که جامعه ایران نیمه مستعمره و نیمه فئودالی است و از نظریه مبارزه مسلحانه توده‌ای و محاصره شهرها از طریق دهات دفاع می‌کرد و در مذمت ترورهای فردی سخن می‌گفت و بخش داخل کشور با این نظریه موافقت نداشت.

انشعاب سیروس نهاوندی، یکی از افراد شاخص سازمان انقلابی، پس از مراجعت به ایران و تشکیل سازمان رهائی‌بخش خلق‌های ایران، در نیمه دوم دهه چهل، اگرچه به سود مائوئیسم در ایران بود ولی این انشعاب در روند خود شریان حیاتی سازمان انقلابی را به کلی قطع کرد. فرار ساختگی او از زندان موجب گردید که از آن پس ساواک بر تمامی تکاپوی مائوئیست‌ها اشراف داشته باشد. رسوایی سازمان انشعابی تقریباً همزمان بود با رسوایی مائوئیسم در سطح جهانی. تئوری سه جهان که اساس سیاست خارجی چین را تشکیل می‌داد حکومت‌هایی مانند حکومت شاه را ملی معرفی می‌کرد و در نتیجه آن جمهوری سوسیالیستی خلق چین با دولت شاهنشاهی ایران روابط سیاسی برقرار کرد. سازمان انقلابی در برزخ گرفتار آمده بود. همه آن شعارها و هیجانات سازمان انقلابی برای سرنگونی شاه، اکنون با انکار چین مواجه شده بود. سازمان انقلابی هیچ پاسخی قانع‌کننده‌ای برای اعضا و هواداران خود نداشت. در همین سال‌ها جنایات پل پوت در کامبوج، آبروی چین و مائوئیست‌ها را به حراج گذاشته بود و سازمان انقلابی ناگزیر از پل پوت دفاع می‌کرد.

پس از عملیات شب یلدای ۱۳۵۵، تقریباً همه اعضای سازمان انقلابی و محافل مائوئیستی دستگیر و چند نفرشان نیز کشته شدند و دیگر عملاً چیزی به نام مائوئیسم در مبارزات سیاسی ایران، در داخل کشور، وجود نداشت. پیروزی انقلاب اسلامی، امکان حیات را برای همه نحلله‌های سیاسی ایران، از جمله مائوئیست‌ها، فراهم کرد. حزب رنجبران، از تجمیع و ائتلاف چند گروه و محفل مائوئیستی، که مهم‌ترینشان همان سازمان انقلابی بود، در سال ۱۳۵۸ تشکیل شد.